



مستطیل سبز

نخستین امتیاز در تاریخ

کانادا مقابل بوسنی نفس کشید



گروه ورزشی / کانادا در ششی که بیش از هر زمان دیگری زیر فشار انتظارات میزبان بودن قرار داشت، برابر بوسنی و هرزگوین به تساوی ۱-۱ رسید؛ نتیجه‌ای که در ظاهر ساده است اما در بطن خود بار تاریخی و روانی سنگینی را حمل می‌کرد.

بازی از همان ابتدا با ریتمی کنترل‌شده از سوی بوسنی شکل گرفت؛ نمیی که با بلوک منسجم و جابه‌جایی‌های حساب‌شده، جریان توپ را در اختیار داشت و اجازه نمی‌داد کانادا در فاز انتقال، آن سرعت همیشگی‌اش را پیدا کند. میزبان در نیمه اول بیشتر در نقش واکنش‌دهنده ظاهر شد تا کنشگر؛ ک مالکیت مقطعی و حملاتی که اغلب در یک سوم نهایی به بن‌بست می‌خورد، در حالی که حریف اروپایی با استفاده از کوچک‌ترین شکاف‌ها، ضربه‌ای مؤثر وارد کرد و تعادل ذهنی بازی را به هم زد. با شروع نیمه دوم اما تصویر مسابقه تغییر کرد؛ کانادا با بالا بردن خط پرس و افزایش شدت در دوئل‌های میانه‌میدان، در عمل زمین بازی را به سمت دروازه بوسنی هل داد و ریتم را از حالت کنترل‌شده خارج کرد. فشار تدریجی، نه یکباره، ساختار دفاعی حریف را فرسوده کرد تا اینکه یک لحظه تغییر جریان کافی بود؛ ورود بازیکن تعویضی و گل تساوی در فاصله کوتاه بعد از آن، نه فقط نتیجه را برگرداند بلکه بار روانی سنگین شکست‌های گذشته در تاریخ جام جهانی را از دوش این تیم برداشت.

از دیدگاه آماری نیز بازی تصویری نزدیک و در عین حال پرتنش داشت؛ توازن در شوت‌ها و موقعیت‌ها، همراه با نوسان مالکیت در دو نیمه، نشان می‌داد که هیچ‌کدام از دو تیم برتری مطلق نداشته‌اند، اما تفاوت در کیفیت لحظه‌ها تعیین‌کننده بود. در نهایت این تساوی، بیش از آنکه یک عدد در جدول باشد، نشانه‌ای از عبور کانادا از مرحله‌ای ذهنی بود؛ تیمی که دیگر صرفاً درگیر حضور در تورنمنت نیست، بلکه به تدریج یاد می‌گیرد چگونه در آن بماند و زنده بماند.

جشنواره گل میزبان در افتتاحیه

جراحی تاکتیکی پوچتینو



گروه ورزشی / آمریکا جام جهانی ۲۰۲۶ را با ارائه یک نمایش هجومی آغاز کرد؛ ۴ گل به پاراگوئه، ششی که زمین بیشتر شبیه آزمایشگاه تاکتیکی پوچتینو بود تا یک مسابقه معمولی. اینجا فوتبال صرفاً نتیجه نبود، بلکه نمایش قدرت طراحی بود. جایی که هر پاس، یک دستور و هر حرکت، بخشی از یک نقشه از پیش نوشته‌شده بود. پاراگوئه از همان ابتدا زیر موج فشار آمریکا، دچار فرسایش تدریجی شد. پرس از بالا، گردش سریع توپ و تغییر ریتم‌های ناگهانی باعث شد خطوط این تیم، همچون سازی ناکوک، از هم باز شوند. فاصله میان هافبک و دفاع همان نقطه‌ای بود که آمریکا مدام در آن نفوذ می‌کرد؛ درست مانند تیغی که دقیقاً بر دوز زره فرود می‌آید.

در قلب این طوفان، پولیسچیچ نقش فرمانده سایه را بازی کرد؛ نه فقط با گل یا پاس گل، بلکه با کنترل جریان بازی. هر لمس توپ او، تغییر جهت حمله بود. او دیگر یک وینگر کلاسیک نیست؛ به بازیکنی تبدیل شده که تعیین می‌کند بازی از کجا نفس بکشد و از کجا از حرکت بیفتد. بالوگان با دو ضربه تمام‌کننده‌اش تصویر یک مهاجم بی‌رحم را کامل کرد و ریتم با پاس‌های عمقی‌اش مدام خط دفاع پاراگوئه را به عقب‌نشینی‌های بی‌پایان واداشت. این یک حمله نبود، بلکه فرسایشی مداوم، کند و بی‌وقفه بود.

اما شاید مهم‌ترین تصویر بازی نه گل‌ها، بلکه آمار کرنیس ریچاردز بود؛ بیش از ۸۰ پاس با دقت ۱۰۰ درصد. این یعنی مدافعی که صرفاً دفاع نمی‌کند؛ او نقطه آغاز حمله است، جایی که نظم از دل آن ساخته می‌شود. پاراگوئه در این نبرد، بیش از آنکه شکست بخورد، در مستطیل سبز محو شد و آمریکا نشان داد اگر این روند ادامه پیدا کند، تنها برنده بازی‌ها نخواهد بود، بلکه کنترل روایت مسابقات را نیز در دست خواهد گرفت.

سینا حسینی / جام جهانی ۲۰۲۶ با فرمت میزبانی سه کشور آمریکا، مکزیک و کانادا، بیشتر شبیه یک شهر بزرگ زنده است؛ شهری که دیوار ندارد، خیابان‌هایش استادیوم‌اند و ساکنانش، همه مردم جهان. جایی که از نیویورک تا مکزیکوسی و از تونزو تا لس‌آنجلس، فوتبال همچون نفسی مشترک در ریه‌های زمین جریان دارد.

اینجا هر سوت آغاز بازی، تنها شروع ۹۰ دقیقه نیست؛ گویی روانی تازه آغاز می‌شود. روایتی که در آن قهرمان بودن صرفاً یک مقصد نیست، بلکه یک مسیر است. درست همان چیزی که چهره‌هایی مانند فابیو کاناوارو به آن اشاره می‌کنند؛ اینکه وقتی جام در دسترس نیست، خود بازی تبدیل به جام می‌شود؛ فرصتی برای زندگی کردن در لحظه، برای جنگیدن بدون ترس از پایان.

جلال چراغیور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال مدرن امروز را با معیارهای ۱۵ سال پیش قضاوت نکنید

مهری رنجبر / جام جهانی ۲۰۲۶ از همان روزهای اول آغاز خود، علاوه بر هیجان همیشگی، بحث‌های فنی فراوانی را نیز به همراه داشته است. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران فوتبال، کیفیت برخی دیدارهای ابتدایی و حتی بازی افتتاحیه را پایین‌تر از انتظار ارزی کرده‌اند و انتقادهای تند نسبت به سطح فنی مسابقات مطرح شده است. اما همه نگاه‌ها در یک مسیر قرار ندارد. جلال

فوتبال چه ویژگی یا «معجزه‌ای» دارد که تا این اندازه مورد توجه مردم جهان قرار گرفته است؟ چرا حتی برنامه زندگی بسیاری از مردم با زمان برگزاری جام جهانی تنظیم می‌شود؟

اگر بخواهیم ورزش‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم، میزان محبوبیت و دلچسپی مردم به هر ورزش تا حد زیادی به این بستگی دارد که آن ورزش تا چه اندازه برای ذهن عموم جامعه قابل فهم و قابل لمس باشد. برای مثال، وقتی ما به عنوان یک تماشاگر مسابقه کشتی فرنگی را نگاه می‌کنیم، آیا می‌توانم خودم را جای کشتی‌گیر تصور کنم؟ آیا اتفاقی در آن مسابقه رخ می‌دهد که بتوانم آن را درک کنم و از آن لذت ببرم؟ یا در کشتی آزاد، آیا می‌توانم تصور کنم که با داشتن چنین بدنی و عضلاتی مانند قهرمانان کشتی مبارزه کنم؟ جاذبه یک فیم و ورزش از همین نقطه آغاز می‌شود.

در فوتبال این ویژگی به شکل بسیار پررنگی وجود دارد. شما تماشاگران فوتبال را ببینید؛ مادری همراه فرزندش به ورزشگاه می‌آید یا پدری کودک خود را گرفته است؛ کودکی که حتی پیراهن تیم محبوبش را پوشیده و هنگام گل زدن تیش فریاد شادی سر می‌دهد. فوتبال این قابلیت را دارد که افراد خود را جای بازیکنان تصور کنند. پدر و مادرها پیراهن بازیکنی مانند مسی را برای فرزندشان می‌خرند، چون آن کودک می‌تواند خود را در رویای آن بازیکن ببیند.

فوتبال در دسترس رویاهای مردم است. هرچه فرد رویاپردازی بیشتری داشته باشد، هنگام تماشای مسابقه بیشتر احساس می‌کند که خودش بخشی از بازی است. به همین دلیل است که هوادارانی پس از پیروزی تیم محبوب‌شان نمی‌گویند «استقلال پرسپولیس را برده» یا «پرسپولیس

در این جام جهانی، فوتبال کمی شلوغ‌تر شده، پرهیاهوتر و شاید هم بی‌رحم‌تر برای آنهاپی که به نظم‌های قدیمی خو گرفته‌اند. منتقدان از افت کیفیت فنی می‌گویند، از افزایش تعداد تیم‌ها و بازی‌های غیرقابل پیش‌بینی. اما در دل همین شلوغی، حقیقتی تازه متولد شده است؛ فوتبال دیگر فقط برای چند قدرت سنتی نیست؛ حالا برای همه است.

تورنمنت مثل کبپ‌ورد، هائیتی، کوراسائو، عراق یا نیوزیلند دیگر مهمانان گذری نیستند؛ آنها راویان جدید این صحنه‌اند. هرکدام با لهجه‌های متفاوت، اما با احساسی مشترک وارد زمین می‌شوند؛ اینکه «ما هم می‌توانیم تاریخ را لمس کنیم». برای آنها، هر پاس یک بیانه است، هر تکل یک فریاد و هر گل چیزی شبیه انفجار یک رویای قدیمی در دل یک ملت.

و زیبایی ماجرا اینجاست که جام جهانی فقط در زمین فوتبال اتفاق نمی‌افتد؛ بیرون از زمین نیز جریان دارد. در کافه‌های مکزیک، در خیابان‌های کانادا، در آسمان خراش‌های شیشه‌ای آمریکا، میلیون‌ها نفر هم‌زمان می‌خندند، نگران می‌شوند، فریاد می‌زنند یا در سکوت فرو می‌روند. فوتبال، برای چند هفته، تبدیلی می‌شود به زبان مشترکی که نیازی به ترجمه ندارد.

تورنمنت سه‌کشوری، بیش از آن‌که یک رقابت باشد، یک «تجربه جمعی» است؛ تجربه‌ای که در آن مرزها م‌رنگ می‌شوند و احساسات پررنگ. جایی که حتی اگر تیمی شانس قهرمانی نداشته باشد، هنوز چیزی برای بردن دارد؛ دیده شدن، لمس کردن جهان و لذت بردن از بودن در بزرگ‌ترین صحنه فوتبال. در فرمت جدید برگزاری جام جهانی می‌توان به حقیقتی

چراغیور، مربی و مدرس باسابقه فوتبال ایران، معتقد است قضاوت درباره فوتبال امروز با معیارهای گذشته، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. او در گفت‌وگو با «ایران» علاوه بر تشریح دلایل محبوبیت بی‌قبیل فوتبال در جهان و تأثیر آن بر اقتصاد، رسانه و حتی سیاست، به تحلیل فنی مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ نیز پرداخته است. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

حتی در مراسم قرعه‌کشی نیز اتفاقاتی رخ داد که بسیاری آن را توهین آمیز تلقی کردند. مواردی از رفتارهای نامناسب نسبت به برخی تیم‌ها و شخصیت‌های ورزشی مشاهده شد. چنین اتفاقاتی در رویدادی که ده‌ها هزار نفر را در ورزشگاه‌ها گرد هم می‌آورد، اهمیت زیادی پیدا می‌کند؛ زیرا اگر جمعیتی سزای نفری به هر دلیلی دچار هیجان یا خشم شود، ممکن است حوادث غیرقابل پیش‌بینی رخ دهد. به همین دلیل مسئولان برگزاری مسابقات ناچارند با حساسیت زیادی مسائل امنیتی را مدیریت کنند.

آیامی توان گفت فوتبال در ابتدا این مسائل را پنهان می‌کند و بعد هاپت‌شد برده‌ها آشکار می‌شود؟

معمولاً زمانی که مدیران قدرتمند آشکار می‌شوند که توان قدر تغییر کرده باشد. تا زمانی که مدیران ارشد جایگاه خود را حفظ کنند، معمولاً پرونده‌های مهم کمتر به سطح افکار عمومی راه پیدا می‌کنند.

جام جهانی ۲۰۲۶ را تا به امروز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با آغاز این جام جهانی دو اتفاق مهم رخ داده که هنوز بسیاری از کارشناسان تلویزیونی به آن توجه نکرده‌اند. در دوره‌های گذشته تیم‌ها معمولاً



بزرگ رسید؛ اینکه شادی و هیجان فوتبال سهم همه ملت‌هاست و دیگر نمی‌توان آن را متعلق به جغرافیایی خاص دانست.

جام جهانی در نهایت همان چیزی است که همیشه بوده، اما بزرگ‌تر و پرمشاورتر؛ یک جشن جهانی که در آن فوتبال فقط بازی نیست، بلکه بیانه‌ای است برای اینکه دنیا، برای چند لحظه کوتاه، هم‌زمان نفس بکشد.

اما در دل این روایت باشکوه، فوتبال فقط احساس نیست؛ یک منطق زنده است، یک هندسه بی‌وقفه که روی چمن نفس می‌کشد. جایی که هر خط پاس، همچون ترسیم یک مسیر نامرئی در ذهن بازی است و هر حرکت بدون توپ، نوعی مکالمه پنهان میان فضا و زمان.

در فرمت جدید و گسترده جام جهانی، تیم‌ها دیگر



فوتبال امروز بسیار متفاوت شده است. وقتی همه تیم‌ها با این شدت بازی می‌کنند، فضا و زمان برای تصمیم‌گیری بسیار محدود می‌شود.

در چنین شرایطی ممکن است برخی از صحنه‌هایی که مخاطبان به دیدن آن عادت کرده‌اند کمتر رخ دهد، اما در مقابل پدیده‌های جدیدی شکل می‌گیرد

مسابقات را با احتیاط آغاز می‌کردند. آمار بازی‌های دور اول نشان می‌داد که تعداد کارت‌های زرد و قرمز کم است. اخراج‌ها اندک هستند و نتایج غالباً با تنش پایین و حتی مساوی همراه می‌شود.

اما این دوره شرایط متفاوت است. مسابقات از همان ابتدا با شدت، تنش و فشار بالا آغاز شده‌اند. برای مثال تیم کانادا فراتر از انتظار ظاهر شد. من تصور نمی‌کردم بازیکنان این تیم بتوانند چنین فشاری را هم‌زمان در فضا و زمان بر حریف وارد کنند و از نظر بدنی دوام بیاورند، اما این اتفاق رخ داد. دور اول مسابقات با شدت بسیار بالایی آغاز شده است.

برخلاف نظر شما، برخی کارشناسان معتقدند مسابقات از کیفیت فنی بالایی برخوردار نیست. پاسخ شما به این انتقاد چیست؟

من این نقدها را شنیده‌ام؛ حتی برخی گفته‌اند مراسم افتتاحیه ضعیف بوده یا کیفیت مسابقات پایین است. به نظر من این قضاوت‌ها چندان متصفانه نیست. اگر میزان درگیری‌های بدنی، دویدن‌های انفجاری، سرعت واکنش و فشار مداوم بازیکنان را با دقت بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که فوتبال امروز بسیار متفاوت شده است. وقتی همه تیم‌ها با این شدت بازی می‌کنند، فضا و زمان برای تصمیم‌گیری بسیار محدود می‌شود. در چنین شرایطی ممکن است برخی از صحنه‌هایی که مخاطبان به

فقط با نام و تاریخ‌شان وارد زمین نمی‌شوند؛ آنها با ساختارهای تاکتیکی متفاوتی می‌آیند که گاهی حتی با چشم غیرمسلح هم قابل خواندن نیست. تیم‌های بزرگ همچنان بر نظم‌های کلاسیک خود تکیه دارند؛ اما همین نظم‌ها حالا در برابر تیم‌هایی قرار گرفته‌اند که از «بی‌نظمی هدفمند» تقدیه می‌کنند؛ تیم‌هایی که فضا را نه تصاحب، بلکه غارت می‌کنند.

شاید به همین دلیل است که این جام جهانی بیش از هر زمان دیگری، شبیه یک آزمایشگاه زنده است؛ جایی که تاکتیک‌ها هم مانند احساسات، در حال تجربه شدن‌اند. فوتبال، در نهایت، در همین مرز میان نظم و آشوب نفس می‌کشد؛ جایی که هیچ چیز کاملاً قابل پیش‌بینی نیست، اما همه چیز معنا دارد.



عکس: www.gettyimages.com

دیدن آن عادت کرده‌اند کمتر رخ دهد، اما در مقابل پدیده‌های جدیدی شکل می‌گیرد. ما معمولاً در برابر تغییر مقاومت می‌کنیم و آن را ضعف می‌دانیم. فوتبال امروز پرتنش‌تر، پویاتر، سریع‌تر و مبتنی بر فشار مداوم است. برای درک این نوع فوتبال باید دانش تماشای آن را نیز داشت. همان‌طور که نمی‌توان اجرای یک ارکستر سمفونیک را بدون شناخت موسیقی قضاوت کرد، فوتبال مدرن را نیز نمی‌توان صرفاً با معیارهای گذشته سنجید.

یعنی معتقدید فوتبال پیشرفت کرده‌اندگاه بسیاری از مامه‌چنان به سبک‌های قدیمی عادت دارد؟

کسی که ده یا پانزده سال فوتبال آرام‌تر و کم‌فشارتر را دیده یا بازی کرده، طبیعی است که با فوتبال امروز احساس غریبی کند و آن را نامطلوب بداند. اما سال‌ها پیش فیفا اعلام کرده بود که فوتبال این دهه سریع‌تر خواهد شد؛ بازیکنان بلندقدتر، آماده‌تر و از نظر فنی پیچیده‌تر می‌شوند. امروز سرعت تصمیم‌گیری در زمین به حدی افزایش یافته که در بسیاری از مواقع حتی کارشناسان نیز برای تحلیل یک صحنه نیاز به بازبینی چندباره دارند. به نظر من نباید در قضاوت عجله کرد. آرام‌آرام چشم‌ها به سرعت جدید فوتبال عادت می‌کند و آن‌گاه بسیاری از ظرافت‌ها و زیبایی‌های این سبک بازی بهتر دیده خواهد شد.

| دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۲۲:۳۰ | دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۱۹:۳۰ | دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۵:۳۰ بامداد | دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۲۱:۳۰ بامداد |
|-------------------------------|-------------------------------|-------------------------------------|--------------------------------------|
| مصر | بلژیک | اسپانیا | سوید |
| نبرد لحظه و محاسبه | کنترل و مقاومت | شطرنج خاموش | دوئل در تاریکی |

ساختار مسابقات شده است. این مسئله مستقیماً بر الگوی فشار بدنی و ریکاوری تیم‌ها اثر می‌گذارد.

در کنار این عوامل، چالش‌های لجستیکی سفر ایران از کمپ تیخوانا به محل مسابقات و محدودیت پرواز مستقیم، به‌همراه فرآیندهای بازرسی مرزی در ورود به لس‌آنجلس، می‌تواند بر آمادگی جسمانی و ذهنی بازیکنان اثرگذار باشد. مدیریت این متغیرهای خارج از زمین، برای حفظ کیفیت عملکرد در مسیر صعود، نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت.

قضاوت راموس را داشته است؛ او دیدار ایران و عمان در جام ملت‌ها را قضاوت کرد، مسابقه‌ای که در آن دو تصمیم پنهانی پس از بازیابی VAR تأیید شد. این موضوع نشان می‌دهد که رویکرد او در محوطه جرمه، مبتنی بر سخت‌گیری همراه با اتکا به فناوری و دقت در تشخیص تماس‌های مؤثر است؛ نکته‌ای که می‌تواند در طراحی رفتار تاکتیکی بازیکنان ایران مؤثر باشد.

تغییرات اخیر قوانین داوری، شامل مدیریت دقیق‌تر زمان مفید بازی و افزایش نقش VAR، باعث افزایش ریتم متناوب و فشرده‌تر شدن

انتخاب راموس به همراه کمک داوران هم‌وطنش، آلبرتو مورین و مارکو بیسگوئرا، می‌تواند در چارچوب سیاست‌های فیفا برای کاهش متغیرهای حاشیه‌ای و افزایش هماهنگی تیم داوری تحلیل کرد. فیفا در مسابقات حساس معمولاً به سراغ گروه‌هایی می‌رود که سابقه همکاری طولانی و درک مشترک از استانداردهای قضاوت دارند تا احتمال ناهماهنگی در تصمیمات کاهش یابد و نرخ خطای انسانی به حداقل برسد.

تیم ملی ایران پیش‌تر تجربه مواجهه با سبک

می‌شود. او با بیش از هفت قضاوت در ادوار مختلف جام جهانی و حضور در سه دوره متوالی این رقابت‌ها، در رده داورانی قرار دارد که از منظر مدیریت جریان بازی، کنترل تنش و تفهیم ریکنواخت صحنه‌ها، ثبات عملکرد قابل توجهی داشته‌اند. قضاوت او در دیدار نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ میان فرانسه و مراکش نیز با ارزیابی مثبت کمیته داوران فیفا همراه شد؛ دیداری که از نظر فشار رسانه‌ای و شدت رقابت، یکی از پیچیده‌ترین مسابقات آن دوره به شمار می‌رفت.

مراقب سزار راموس باشید

نگاه



پاس‌هرمزنگ کارشناس داوری

سزار راموس، داور باتجربه مکزیک، به عنوان قاضی دیدار تیم‌های ملی ایران و نیوزیلند، از جمله گزینه‌های قابل اتکای فیفا در مسابقات سطح بالا با حساسیت کنترل‌شده محسوب